

2016/19.12

گردآورنده: احسان لمر

بخش: نخبگان، شخصیت های تأثیر گذار تاریخی

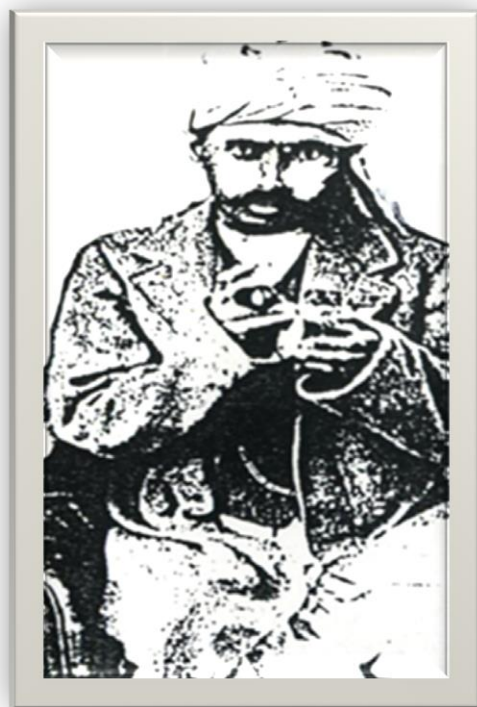
بیوگرافی

ماما محمد ابراهیم «ساعت ساز»

و حیدر علی خان «ترجمان»

«ماما ابراهیم» در خانواده روشن ضمیر، عالم و وطن دوستی در سال 1260 ش - 1881 م، متولد گردید. شادروان «ماما ابراهیم» در بازار ارگ کابل دکان ساعت سازی باز نمود و به همین دلیل به ساعت ساز مشهور گشت، در (اول قوس 1332 ش - 22 نومبر 1953 م) به عمر هفتاد و دو سالگی همچو شمع آرامانه خاموش گشت.

«مرحوم حیدر علی خان» ترجمان فرزند مرحوم «غلام حسن خان» که در چنډاول کابل تولد گردیده و تعلیمات ابتدایی و ثانوی خود را در عصر اعلیحضرت امان الله خان در مکتب امانیه تکمیل نمود. در جمله محبوسین سیاسی دوره صدارت «سردار هاشم خان» مرحومی هم روانه زندان (قلعه جدید) دهمزنگ گردید. و مدت سیزده سال را بدون محکمه در زندان محیل در بدترین شرایط و چند سال را به شکل کوته قفلی سپری نموده است. مرحوم حیدر علی خان ترجمان بنابر تکلیف قلبی که عاید حالش بود به تاریخ (23 اسد 1362 - 14 اگست 1983) حیات فانی را وداع گفته به خانه ابدی خویش رحلت نمود و در دامنه کوه شیر دروازه کابل مدفون میباشد.



فوتوی ماما ابراهیم

کارنامه ها:

«ماما ابراهیم» هم در اجتماع مشروطه خواهان عضویت داشت، در دوره «نادر خان» مدیر و موسس جمعیت خیریه امداد ملی، مدیر و موسس یتیم خانه شهر کابل، مدیر دارالمساکین و یتیم خانه، و در سال 1325 ش - 1946 م رئیس مرستون کابل تعیین شد.

«حیدر علی خان» با اینکه از تحصیل یافته های دوره امانیه است، و باوجود آشنائی به زبانهای انگلیسی و فرانسوی هرگز کار رسمی به او ندادند. اجیر در چوکات وزارت داخله جذب و استاد حق الزحمه در مکتب پلیس بود. بعد از آنجا اخراج و در وزارت مالیه بحیث ترجمان اجیر تا بلاخره آمر هوتل آربانا رسید و بعد از آنجا در مرکز پیداکوژیک فرانسه در کابل کار نمود.

معلومات بیشتر:

فامیل «ماما ابراهیم» هم همچو صدها وطن پرست دیگر در دور سلطنت عبدالرحمن خان تبعید بودند و نامبرده در لاهور و راولپندی در خدمت مامایش سپه سالار «حسین علی خان» افسر دوره «امیر شیر علی خان» قرار داشت. او عشق و محبت وطن و وطن داران را که از فامیل فرا گرفته بود همیشه در دل داشت تا این که در سال 1286 ش - 1907 م اجازه برگشت به وطن را حاصل نموده و در چنډاول کابل مقیم شدند.

دکان ساعت سازی «ماما ابراهیم» مرجع تجمع و نشست های مشروطه خواهان بود که میگویند حیثیت کلوپ را برای نشست وطن دوستان بخود گرفته بود.

در دوره امانیه در ناحیه اول و بعداً ناحیه جنوبی شهر کابل ماموریت داشت و در دور «نادر خان» از تاسیس جمعیت خیریه امداد ملی، مدیر و موسس یتیم خانه شهر کابل تا مرستون کابل با نام ایشان گره خورده است.

در باب شخصیت عالیقدر این راد مرد سترگ، خیر خواهی و خیر اندیشی، وقف خدمت به مردم را بر می شمارند، از همین رو است که دو موسسه خیریه «امداد ملی» و «یتیم خانه» را اساس گذاشت، و در زندگی شخصی هر چه میداشت آنرا به مستحقان، مستمندان و یتیمان تقسیم مینمود.

خدمت دلها کن اینجا کفر و دین منظور نیست

آئینه از هر که باشد مفت روشنگر است

«حضرت بیدل»

جاوید نام ماما ابراهیم شخصیت ملی و کلاً مبرا از تبعیض و تعصب " یعنی یک افغان صاف و بی ریا " بود وی به زبان پشتو، دری و لهجه هزارگی زبان دری آشنا بود که با دوستان و مشتریان و مراجعین بزبان و لهجه خود شان صحبت مینمود بدین گونه عزیز همه دلها بود.

ما روان را بنگریم و حال را

ما زبان را ننگریم و قال را

گر چه گفت لفظ نا خاضع رود

ناظر قلبیم اگر خاشع بود

ز آنک دل جوهر بود گفتن عرض

پس طفیل آمد عرض جوهر غرض

«حضرت مولانای بلخ»

ماما ابراهیم ساعت ساز پس از عمری خدمت گذاری خلق، عشق و محبت به وطن و مردم آن در (اول قوس 1332 ش - 22 نومبر 1953 م) وفات نمود و فامیل، دوستان و علاقه مندان او را در دامنه کوه شیر دروازه کابل دفن نموده بر لوح مزارش نوشتند که :

که او بودی پدر هر بینوا را

گذشت آن حاجی پاکیزه طینت

نصیبت خیر کن پروردگارا

دعای بینوایان بود دایم

آیا شایسته نیست که دولت داران کشور ما در زنده نگه داشتن چنین افتخارات و قهرمانان واقعاً ملی قدمهای برداشته مراکز یا پرورشگاه ها را بنام پر افتخار، این عالیترین سمبول محبت، انسان دوستی، مردم دوستی و وطن دوستی «ماما محمد ابراهیم» و دیگران مسما سازند.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

حیدر علی خان ترجمان

نوشته : امان کبیری

قابل یادآوری و تذکار میدانم که شادروان حیدر علی خان از دوستاناران و علاقه مندان مشروطیت دوم و نهضت امانیه بودند، چون در فامیل روشن ضمیر عصر و دوستدار و عضو مشروطیت اول رشد یافته، بدین لحاظ از ایشان در اینجا یاد می نمایم.

"مرحوم حیدر علی خان" ترجمان فرزند مرحوم «غلام حسن خان» که در چنداول کابل تولد گردیده و تعلیمات ابتدایی و ثانوی خود را در عصر اعلیحضرت امان الله خان در مکتب امانیه تکمیل و متعاقباً در همان مکتب که بعداً بنام لیسه استقلال مسمی گردیده به سمت معلم آن لیسه وظیفه اجرا نموده است. مرحوم در ابتدا آزاد تخلص مینمود که این مفکوره آزاد و آزاد منشی را از روش مرحوم شاه امان الله آموخته بود.

حس آزادی خواهی، وطن دوستی و مردم دوستی را از زمان دوره جوانی موقع که در مکتب آنزمان بنام امانیه مصروف تحصیل و آموختن علم بود که با سایر هم مسلکان و هم صنفان خود مباحثه و تبادل افکار نموده و مفکوره جنبش مشروطه خواهان را به سر می پروراندند کسب نمود.



مرحومی در مورد شاه امان اله و عمل کردش که در مکتب امانیه به مقابل شاگردان انجام داده بود چنین میگوید : " روزی مدیر مکتب به صنف ما آمده و برای معلم گفت که اعلیحضرت غرض بازدید از مکتب تشریف می آورد شاید بعضی از صنوف را نیز دیدن و از شاگردان سوالاتی را به میان خواهد گذاشت متوجه باشید.

در این موقع معلم ما چند نفر از شاگردان ممتاز و لایق را به پیش روی صنف و بقیه را در آخر جابجا نمود. پادشاه ترقی خواه به مکتب تشریف آورده از صنوف عالی، متوسطه و ابتدائیه به بازدید آغاز نموده بالاخره نوبت به صنف ما رسید.

موقع ورود به صنف تمام شاگردان به پا ایستاد شده رسم تعظیم و احترام به حضور شاه که پدر ملت بود انجام دادیم. سپس شاه با تبسم و شادمانی پدرا نه به طرف شاگردان اشاره فرموده و نشستیم.

در سابق و شاید فعلاً هم در وطن بنابر عقاید و عنعنات که در بین مردم مروج بود، مادری که چند طفل را در وقت ولادت و یا بعد از دست داده بود، نذری و نیازی به عهده می گرفت تا اولاد آینده را خداوند زنده نگه دارد. بناً طفل جدیدی که به دنیا می آمد، گوش چپ اش را سوراخ نموده حلقه نقره یی را می انداختند.

مرحوم امان الله خان متوجه من شد و به طرف من اشاره فرمودند و من ایستاده شدم، بعد از آنکه چند سوالی راجع به تاریخ و جغرافیه نمودند و احترامانه به جواب پرداختم بسیار مسرور شده برایم تحسین گفت و از جرات و طرز جواب هایم اظهار خوشی و رضایت نمودند. در ضمن از حلقه گوشم پرسید و فرمودند که این حلقه را به چه مورد به گوش خویش گذاشتی. به پاسخ گفتم که من نمیدانم، مادرم میداند. و بعد پرسید که پسر کیستی؟ گفتم پسر غلام حسن خان، اعلیحضرت که واقعاً یک شاه مترقی و ملت پرور بود فرمودند : فرزندم ؛ موقع که امروز به خانه رفتی برای پدرت غلام حسن خان بگو که امان الله برای سلام فرستاده بعد از سلام بگو که خواهش نموده تا این حلقه را از گوش پسترت دور کن. چون تمامی جوانان ملت فرزندانم هستند. و من هیچگاه آرزو ندارم که به گوش فرزندم حلقه غلامی انگلیس آویزان و یا آویخته باشد. معنی و مفهوم این حلقه، غلامی و برده گی است. مبارزه و مجادله من بر ضد استعمار و استبداد انگلیس همین بود که ملت من سرافراز و سربلند باشند. تا وقتی که خداوند متعال برای ما نعمات

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

استقلال و آزادی را اعطا نموده که ملت شریف افغان بتواند با غرور کامل و کمال افتخار بدون برده گی و غلامی زندگی کنند.

به واقعیت که بعد از استماع این جملات نیک و ارزشمند برای من و رفقایم حس آزادی خواهی، دموکراسی و حریت طلبی در تار و پود ما طنین انداخت و از آن بعد در حلقه و انجمن های سیاسی با بزرگان آنزمان معرفی و محشور گردیدیم."

از جمله هم صنفی های مرحومی در مکتب امانیه، سردار محمد نعیم خان، سید قاسم رشتیا، غلام فاروق سراج مشهور به سردار آغا، غلام حیدر عدالت، شکور ولی که با ایشان شناخت داشتند.

بعد از ختم دوره مکتب سردار نعیم خان به طرق مختلف سعی نمود تا مرحومی را در حلقه خویش بکشاند و وظایف را پیشنهاد نموده بود تا همکاری نماید اما از طرف ایشان بنابر ملحوظاتی خاصی که مغایر منافع ملی و اجتماعی بود پذیرفته نشد، از این جاه است که مخاصمت زیاد بروز مینماید تا وقتی که به تاریخ 16 عقرب 1312 خورشیدی مطابق 8 نوامبر 1933 نادر خان توسط یک شاگرد لیسه امانی که بعداً "به نجات مسمی شد بنام عبدالخاق در چمن قصر دلگشا بروز توزیع انعامات به ضرب تفنگچه کشته شد. در این موقع مرحوم حیدر علی خان به حیث معلم لیسه استقلال است، از این روز به بعد تعداد کثیری از روشنفکران، معلمان، آزادی خواهان، و مشروطه خواهان را دستگیر نموده روانه زندان نمودند. در زندان هم با مردمان آذیخواه، روشنفکران، بزرگ مرد های شمالی، خانواده معزز و شریف چرخ و سایر زندانیان سیاسی محشور بوده و خطراتی بس فراموش ناشدنی از مردان شهیر و فرزانه آنجا داشت که در این مختصر نه می گنجد.

در اینجا بطور موجز و مختصر طور نمونه یکی از شکنجه های آن دوره تاریک را که خود مرحومی برایم قصه نموده برایتان تذکر میدهم." بعد از آنکه محبوس شدیم و تحقیقات آغاز گردید، در یکی از تحقیقات جلال مشهور قوماندان طره باز امر کرد که این خاین را به پشت بیندازید، امر نمود که بزنید با چوب شروع کردند تقریباً در حدود نه صد و یکهزار چوب به پشتم حواله نمودند. آنقدر طاقت فرسا بود و من از مجبوری که صدایم بیرون نبراید پیراهن جانم را داخل دهن کرده و هر قدر این جلال اصرار ورزید که اقرار نمایم که با من کدام اشخاص دیگر رابطه سیاسی داشته در کجا نشست و برخاست داشتید اما از زبانم چیزی نه برآمد به دشنام دادن شروع کرد اما من تعهد راستین که با رفقا داشتیم نخواستم چند نفر بی گناهی دیگر در قید بند و زندان این جلادان تاریخ بافتند.

قیامت بر سرم آوردی از بیداد ای صیاد

ولیکن از زبانم رخصت پرواز نشنیدی

بالاخره در سال 1326 خورشیدی برابر به سال 1947 عیسوی بنابر تقاضا و سفارش هیات ملل متحد که به کابل آمده بود یک تعداد از زندانهای سیاسی از زندان رها شدند.

اما مقامات مرحومی را فراری ولایت قندهار معرفی کردند که به اثر توجه سلطان محمود غازی پسر شاه محمود خان که از جمله شاگردان ایشان در لیسه استقلال بود فرمان معافی اش را از نزد پدر خود اخذ نمود.

گر تو خواهی تازه داری زخم های سینه را

گاهگاهی باز خوان این قصه پارینه را

مرحوم حیدر علی خان مدت زیاد را بدون کار و بی سرنوشت بوده اما از طرف مقامات صالحه کدام توجه و یا پیشنهادی برای اشغال وظیفه رسمی صورت نگرفت، بالاخره قطعه درخواستی به مقامات ارسال میدارد تا طبق حقوق یک شهروند و فرد تحصیل کرده از امتیازات برخوردار گردیده شامل یک وظیفه شده تا از اخذ حقوق مادی آن امرار حیات نموده و هم مصدر خدمت برای وطن و مردم خویش گردد. اما متأسفانه مقامات صالحه آل یحیی در حاشیه درخواستی جمله ذیل را تحریر نموده بودند: (موصوف در هیچ مرجع و ارگان رسمی به صفت مامور رسمی ایفای وظیفه کرده نه می تواند. فقط)

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

چون مرحومی بر علاوه زبانهای ملی به زبانهای فرانسوی و انگلیسی آشنایی و تسلط داشته بناً در مربوطات وزارت داخله به حیث اجیر مقرر گردید، در آنجا با متخصصین فرانسوی و ترکی در مکتب ژاندارم و پلیس که جدیداً تاسیس شده بود به شکل حق الزحمه برای شاگردان پلیس فرانسوی، ریاضی و ادبیات دری تدریس مینمود. تا آنکه توسط اشاره سردار نعیم و سردار داود، سید عبدالله که از جمله گماشته گان داود و وزیر داخله بود در دفتر کار خویش مشاجره لفظی را شروع نموده کدام کلمه رکیک استعمال نموده، مرحومی چوکی را برداشته به سوی سید عبدالله پرتاب نموده از اتاق خارج گردید، و از کار اخراج شد. بعد از مدتی از روی مجبوری بخاطر اعاشه و اباته و امرار حیات فامیل به شرکت هوتلها به کمک و یاری مرحوم سید قاسم رشتیا که در آنزمان به حیث وزیر مالیه مقرر شده بودند و ریاست هوتلها در تشکیل مربوط وزارت مالیه بود در آنجا به حیث ترجمان و بعداً به حیث آمر هوتل آریانا به صورت اجیر مدت بیست سال تا آغاز جمهوری قلابی داود خان ایفای وظیفه مینمود.

داود خان به صورت عمدی تصمیم گرفت تمام هوتلهای که مربوط ریاست هوتلها بود به اجاره شخصی داده شود. چون میدانست که چطور کاری کند که انتقام سابقه را دوباره اعاده کند، داود خان بسیار انسان کینه توز بود. کینه که میگرفت از دلش بیرون نه می شد. بهر حال مرحوم حیدر علی خان در اخیر عمر خود با وجودی که مریضی عاید حالش بود اما شهادتی که داشت نمیخواست بیکار زندگی نماید با مرکز پیداکوژیک لیسه استقلال که فرانسوی ها در آنجا همکاری داشتند همکاری خود را آغاز کرد.

قابل یاد دهانی است که مرحوم حیدر علی خان ترجمان مربوط به خانواده مرحوم ماما محمد ابراهیم خان ساعت ساز که از جمله جوانان روشنفکر و عضو جنبش مشروطه خواهان گروه غلام محی الدین افغان که در تشکیل انجمن های خیریه، دارالایتام، دارالمساکین رول عمده داشته اولین رییس دارالایتام ایفای وظیفه نموده است. و هم با مشروطه خواهان یکجا مبارزه مینمود.

مرحوم حیدر علی خان یک شخص آزاده، ظریف، نقاد نهایت دلیر و صریح اللهجه، صادق و وطن دوست بود. وظایف محوله خویش را با کمال ایمان داری و صداقت انجام داده است.

مرحومی برای دوستان و رفقای خود سخت ارادت و احترام قایل بود و همیشه با دوستان هم عقیده و همزمان زندان خود، جناب مرحوم محمد یعقوب توپچی که از تحصیل کرده های فرانسه بود هم با خاندان مرحوم چرخي مثل مرحوم دستگیر جان و خالد جان صدیق، مرحوم محمد نبی منصوری، مرحوم یونس جان مهدوی، مرحوم آصف آهنگ، سلیمان جان، مرحوم قاسم مدنی، مرحوم غلام علی غشتلی، مرحوم نعیم شایان، مرحوم دکتر قاسم صابری، دیپلم انجنیر نصیر صابری، مرحوم باقی نابینا قایل زاده، خلیفه محمد علی جان خیاط، دکتر محمد اسماعیل کبیری، مرحوم جعفر ایوبی مرحوم غلام محمد وفا و سایر دوستان خود نشست های با همی داشتند و همیشه تبادل افکار مینمودند. نا گفته نباید گذاشت که مرد فرهیخته و فرهنگی محترم خالد صدیق چرخي در کتاب خویش در جلد اول آن بنام برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان در مورد مرحوم حیدر علی خان ترجمان یادآوری نموده و خاطرات زندان که با ایشان داشته اند تذکر داده اند که من از ایشان اظهار امتنان و شکران نموده موفقیت شان را آرزو می نمایم.

مرحومی بعد از رهایی زندان ازدواج نموده و هشت فرزند که چهار پسر و چهار دختر از ایشان بجا مانده است و همه فرزندان دارای تحصیلات عالی بوده اما متأسفانه بنا بر جبر زمانه و وضع ناهنجار وطن به کشور های مختلف اروپایی به صورت مهاجر زندگی مینمایند.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

به صفحه قاموس كبير افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند